

سروشون



فصلنامه سرمست

آئینهٔ روزگار

آشنایی با جامعه‌شناسی ادبی و
تحلیل جامعه‌شناختی سروشون



سووشون، آینه روزگار

آشنایی با جامعه‌شناسی ادبی و تحلیل جامعه‌شناختی سووشون

فاطمه سرمشقی



۱۳۹۷

Sarmeshghi, Fatemeh

سرشناسه: سرمشقی، فاطمه، ۱۳۵۷ -

عنوان و نام پدیدآور: سووشون، آینه روزگار: آشنایی با جامعه‌شناسی ادبی و تحلیل جامعه‌شناختی سووشون/ نویسنده: فاطمه سرمشقی.

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: مجده، ۴۲۶ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۶-۵۷۵-۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: دانشور، سیمین، ۱۳۰۰ - ۱۳۹۰، سووشون -- نقد و تفسیر

موضوع: ادبیات -- جنبه‌های اجتماعی

موضوع: Literature and Society

موضوع: داستان‌نویسی -- تاریخ

موضوع: Fiction -- Authorship -- History

موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد

موضوع: Persian fiction -- 20th century -- History and criticism

شناسه افزوده: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

Elmi - Farhangi Publishing Co.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۹۸۵ الف/۸۰ PIR

رده‌بندی دیویی: ۸۷۳/۴۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۹۳۸۸۷

سووشون، آینه روزگار

آشنایی با جامعه‌شناسی ادبی و تحلیل جامعه‌شناختی سووشون

نویسنده: فاطمه سرمشقی

چاپ نخست: ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی و آماده‌سازی: انتشارات علمی و فرهنگی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه

حق چاپ محفوظ است.



انتشارات

علمی و فرهنگی

اداره مرکزی و مرکز پخش: خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، چهارراه حقانی (جهان کودک)، کوچه

کمان، پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳؛ صندوق پستی: ۹۶۴۷ - ۱۵۸۷۵؛ تلفن اداره مرکزی:

۸۸۶۷۷۵۴۴-۴۵؛ فکس: ۸۸۷۷۴۵۷۲؛ تلفن مرکز پخش: ۲۹-۸۸۶۶۵۷۲۸؛ تلفکس: ۸۸۶۷۷۵۴۴-۴۵

آدرس اینترنتی: www.elmifarhangi.ir info@elmifarhangi.ir

وبسایت فروش آنلاین: www.farhangishop.com

فروشگاه مرکزی (پرندۀ آبی): خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، بین بلوار گلشهر و ناهید، کوچه گلفام،

پلاک ۷۲؛ تلفن: ۳-۲۲۴۱۴۰

فروشگاه یک: خیابان انقلاب، روبه‌روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۱۶-۶۶۹۶۳۸۱۵ و ۶۶۴۰۰۷۸۶

فروشگاه دو: میدان هفت‌تیر، خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فراهانی و خردمند، پلاک ۱۳؛

تلفن: ۷-۸۸۳۴۳۸۰۶

فروشگاه سه: خیابان کارگر شمالی، روبه‌روی پارک لاله، نبش کوچه ستاره، نمایشگاه و فروشگاه

محصولات فرهنگی سازمان تأمین اجتماعی، پلاک ۱

این همه از نظر لطف شما می بینم

نثارِ مهربانی های پدر و مادرم

فهرست مطالب

درآمد سیزده

فصل اول: معرفی رویکرد جامعه‌شناختی ۱

پیوندهای جامعه و ادبیات در نگاه نخستین ۱

چشم‌انداز تاریخی جامعه‌شناسی ادبیات ۴

هنر و جامعه: همزادان دیرین ۴

پیشینه گره‌خوردگی مطالعات ادبی با مسائل اجتماعی ۶

تکوین و تکامل جامعه‌شناسی ادبیات ۱۲

تأثیرها و امتزاج‌های جامعه‌شناسی ادبیات ۱۷

الف. رویکرد روان‌شناختی ۱۸

ب. نظریه اخلاقی ۱۹

پ. رویکرد تکوینی و ساختارگرایی ۲۰

ت. صورت‌گرایی ۲۰

ث. زبان‌شناسی ۲۱

ج. جریان‌های تازه‌تر: فمینیسم و پسااستعمارگرایی ۲۲

از نظریه ادبی جامعه‌شناختی تا جامعه‌شناسی نظریه‌های ادبی.....	۲۳
مارکسیسم و جامعه‌شناسی ادبیات.....	۲۴
مارکسیسم و نظریه ادبی.....	۲۷
مارکس و انگلس.....	۳۳
چند مفهوم کلیدی.....	۳۵
الف. زیربنا و روبنا.....	۳۶
ب. تعهد و التزام.....	۴۲
پ. رابطه دیالکتیکی هنر و جامعه.....	۴۵
۱. جامعه و نویسنده.....	۴۸
۲. روح زمانه و ذوق عمومی.....	۴۹
۳. نویسنده و روح زمانه.....	۵۳
۴. اثرپذیری جامعه از ادبیات.....	۵۴
۵. پیوند جامعه و ادبیات در بوتۀ نقد.....	۵۷
ت. ایدئولوژی.....	۵۹
ث. هژمونی.....	۶۸
معرفی سه شخصیت شاخص در نقد جامعه‌شناختی.....	۷۴
الف. لوکاج و رئالیسم اجتماعی.....	۷۴
ب. گلدمن و ساختارگرایی تکوینی.....	۷۹
پ. باختین و منطق گفت‌وگویی.....	۸۹
فصل دوم: نقد جامعه‌شناختی سووشون.....	۹۹
درآمد.....	۹۹
بخش اول: سووشون در نخستین دیدار.....	۱۰۱
الف. مکان‌های مقدس.....	۱۰۴
ب. بناهای تاریخی.....	۱۰۸

پ. باغ‌ها و تفریحگاه‌ها	۱۱۰
ت. محله‌ها	۱۱۱
ث. مکان‌های آموزشی و درمانی نوساخته	۱۱۳
ج. اشارات تاریخی	۱۱۵
۱. حضور خارجی‌ها	۱۱۶
۲. جنگ جهانی	۱۱۷
۳. شیوع بیماری تیفوس	۱۱۸
۴. آشفته‌گی‌های داخلی	۱۱۹
چ. رسم‌ها و آیین‌ها	۱۲۱
۱. مراسم عروسی	۱۲۲
۲. پیشه‌های سنتی	۱۲۲
۳. سنت‌های ایللی	۱۲۳
۴. عقاید عامه	۱۲۴
۵. ضرب‌المثل‌ها و تعابیر کنایی	۱۲۵
بخش دوم: روایتی پویان از جامعه‌ای در حال گذار و دگرگونی	۱۲۶
الف. جامعه نادلخواه	۱۲۷
ب. تحولات انقلابی	۱۳۳
پ. تعامل با سنت	۱۳۷
ت. نفی و اثبات مذهب	۱۴۱
ث. نظام آموزشی جدید	۱۴۷
بخش سوم: تأمل و داوری راوی در روایت جامعه	۱۴۸
الف. زری، نزدیک‌ترین شخص به راوی	۱۵۱
ب. شخصیت‌ها و طبقات اجتماعی وصف‌شده در سووشون	۱۵۵
پ. جایگاه اجتماعی نویسنده	۱۶۸
۱. موقعیت اجتماعی نویسنده	۱۶۹

۲. نسبت رمان با تجارب شخصی نویسنده ۱۷۱
 ۳. نسبت موقعیت اجتماعی رمان با زمان ۱۸۱
 - ت. تعارض نقش آفرینی در خانواده و جامعه ۱۸۵
 - ث. نگاه راوی به تحول ایران، تجدد و عقب ماندگی ۱۸۷
 - بخش چهارم: تأمل در نسبت رمان و جامعه ۱۹۳
 - الف. سووشون و میراث مکتب های ادبی ۱۹۴
 ۱. سووشون و واقع گرایی ۱۹۴
 ۲. سووشون و ناتورالیسم ۱۹۸
 ۳. سووشون و سوررئالیسم ۱۹۹
 ۴. سووشون و سمبولیسم ۲۰۰
 - ب. مثلث زمانی روایت سووشون ۲۰۱
 - پ. روایت نمادین سووشون ۲۰۸
 ۱. مجموعه نمادهای مرتبط با سیاوش ۲۱۱
 ۲. قصه گردونه دار پیر ۲۴۱
 ۳. رمزها و نمادهای امروزی ۲۴۸
 - ت. تعامل ساختار سووشون با جامعه ۲۵۲
-
- فصل سوم: معرفی رویکرد فمینیسم** ۲۵۵
 - رویکرد فمینیستی نقد ادبی ۲۵۵
 - نگاهی به گونه های فمینیسم ۲۷۵
 - فمینیسم مارکسیستی ۲۷۸
 - فمینیسم لیبرال ۲۸۰
 - فمینیسم رمانتیک ۲۸۳
 - فمینیسم اگزیستانسیالیستی ۲۸۴
 - فمینیسم روانکاو ۲۸۵

۲۸۷.....	فمینیسم رادیکال.....
۲۹۰.....	فمینیسم در قلمرو نقد ادبی.....
۳۰۱.....	بخش‌بندی نقد فمینیستی.....
۳۱۳.....	فصل چهارم: نقد فمینیستی سووشون.....
۳۱۴.....	روایت زنانه.....
۳۲۳.....	روایت نقادانه.....
۳۴۴.....	نقد فمینیستی روایت.....
۳۵۳.....	پی‌نوشت‌ها.....
۴۰۳.....	خلاصه سووشون.....
۴۱۱.....	منابع.....

درآمد

نقد ادبی در برنامهٔ دانشگاهی میهن ما، به‌ویژه در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی، هنوز مقامی درخور و سزاوار نیافته است. بررسی گره‌گاه‌های این کاستی نابخشودنی البته در این مجال نمی‌گنجد، اما این قدر هست که تمرکز بر شاخه‌های معینی از قلمرو وسیع و دائم‌التغییر نقد ادبی و فهم و معرفی شایستهٔ آن، اگر با تطبیق آن رویکردها بر یک یا چند متن مشخص بومی همراه شود، گامی بس راهگشا خواهد بود. در این میان، منطقی به نظر می‌آید که به جای توجه به آخرین و تازه‌ترین جریان‌های روز، از جریان‌های اولیه و پیشین آغاز کرد که جنبهٔ آموختاری (کلاسیک) افزون‌تری یافته‌اند. اساساً چگونه می‌توان بدون آشنایی عمیق با سرآغازهای این راه پرپیچ‌وخم، تجربه‌های نوآیین را شناخت و بازشناساند؟! بی‌هیچ مجامله و تعارفی، جامعهٔ فرهنگی و دانشگاهی هنوز حتی با نقد دورهٔ رمانتیک و آموزه‌های شلگل و کولریج نیز یکسره بیگانه است. پیداست که جریان عظیم نقد ادبی مغرب‌زمین را، که سیری به تعبیر باختین گفت‌وگویی دارد، باید از آغاز، آغازید نه از فرجام. از این گذشته، فهم عمیق‌تر این جریان‌ها فقط از رهگذر کاربست آموزه‌ها و شیوه‌های آن‌ها در آثار ایرانی صورت می‌پذیرد و

ما را از مرحله ترجمه به مقام تجربه ارتقا می دهد.

نگارنده، با درك مجملی که از این نیاز راستین جامعه پژوهشی و فرهنگی داشت، بر آن شد که «با نخستین قدم های ناآزموده نوپایی خویش»، در گشودن این راه دشوار سهمی هرچند کوچک داشته باشد. آنچه البته او را از آغاز تا فرجام این راه دراز آهنگ، دلیری و امید می بخشید دم همت استاد فرزانه، دکتر تقی پورنامداریان، بود که از پیشگامان برجسته این میدان اند و در شناسایی سنجیده شیوه های گوناگون نقد و زیبایی شناسی فرهنگی از رهگذر تطبیق و سنجش آن با میراث بلاغت اسلامی - ایرانی کهن و کاربرست آن در آثار کهن و نو، چهره ای دوران ساز به شمار می آیند. به راهنمایی استاد، رمان سووشون را برگزیدم، که بی گمان هنوز یکی از ده رمان زبان فارسی است که مستعد و سزامند بررسی های ادبی از چشم اندازهای گوناگون است. سووشون به ویژه از منظر رویکرد دریافت رمان بسیار مهمی است؛ زیرا از زمان نشر، با همه فرازونشیب های اجتماعی، همواره مخاطبان پرشماری بدان روی آورده اند؛ توفیقی که رمان های انگشت شماری از آن نصیب برده اند.

از میان شیوه های نقد، رویکرد جامعه شناختی را به دلایلی چند برگزیدیم: نخست آنکه سووشون از این چشم انداز بسیار تأمل برانگیز است و روایتی عمیقاً اجتماعی محسوب می شود؛ دیگر آنکه نقد جامعه شناختی از شاخه های باسابقه و گسترده نقد است که خود بر بسیاری از شاخه های تازه تر، به شیوه های مختلف، تأثیر نهاده است و فهم و معرفی آن ضرورتی بنیانی دارد، به ویژه بر یکی از شیوه های نوآیین نقد که انتظار می رود مخصوصاً از رهگذر آن به سراغ سووشون برویم؛ یعنی نقد فمینیستی، که تقریباً شاخه ای نورسته است بر این شاخ کهن تر. شاید دقیق تر آن باشد که بگوییم از نظر ما سووشون بیشتر آن قرائت نقد فمینیستی را برمی تابد که می توان آن را نقد جامعه شناختی - فمینیستی خواند.

همین جا باید به توضیح نکته‌ای ضروری پرداخت. در تبویب و بخش‌بندی این کتاب، هم در مقام معرفی رویکردها و هم در مرحله تحلیل سووشون بر پایه رویکردها، آشکارا سهم افزون‌تری به نقد جامعه‌شناختی داده‌ایم و در برابر، نقد فمینیستی سهم کمتری دارد. این مسئله به نظر ما کاملاً طبیعی و مقرون به صحت و صواب می‌نماید: اولاً نقد جامعه‌شناختی بسیار گسترده‌تر، با سابقه‌تر، پیچیده‌تر، و فربه‌تر به نظر می‌رسد. نقد فمینیستی جریانی به شدت نوظهور است و - چنان که یادآور شده‌ایم - مطالعات نقد فمینیستی عملاً بیشتر فمینیسم در مفهوم عام را شامل است و کمتر به نقد ادبی و هنری در مفهوم دقیق و متعارف آن می‌پردازد؛ حتی به نظر می‌آید که این نقد هنوز راهی دراز در پیش دارد تا بتواند همپای رویکردهای دیگر نقد به صورتی مستقل و تأمل‌برانگیز طرح شود. ثانیاً نقد فمینیستی، در معنای ویژه‌ای که پیش‌تر بر آن تأکید کردیم و با قرائت ما از سووشون همخوان بود، بیشتر در حد و اندازه یکی از شیوه‌ها و زیرگروه‌های نقد جامعه‌شناختی قابل طرح بود و هرگز با کلیت عظیم آن نقد، سنجیدنی نمی‌نمود. ثالثاً سووشون آشکارا دایره گفت‌وگوی بسیار فراخ‌تری با نقد جامعه‌شناختی دارد تا نقد فمینیستی، و قرائت فمینیستی آن نیز غالباً به تحلیل‌های جامعه‌شناختی می‌انجامد.

بدین سان، در آغاز، به معرفی نسبتاً مشروح نقد جامعه‌شناختی پرداخته‌ایم. کوشیده‌ایم تا نخست، با طرح اجمالی مناسبات محتمل جامعه و ادبیات، طرحی از بنیانی‌ترین مسائل این نقد به دست دهیم. پس از آن، تکوین این نقد را از نخستین تأملات پراکنده و خام تا جریان‌های جدی و گسترده سده بیستمی نشان داده‌ایم. علاوه بر اشاره به جریان‌های عمده، از اندیشگاران و فعالان برجسته این رویکرد یاد کرده‌ایم. از آن میان، از سه تن، به سبب اهمیت و دوران‌سازی آموزه‌هایشان، با تأکید و تفصیل افزون‌تری سخن گفته‌ایم: لوکاک، گلدمن، و باختین (فصل اول).

سپس با این چشم انداز به سراغ سووشون رفتیم و کوشیدیم ربط و نسبت‌های گوناگون روایت را با جامعه بسنجیم. تلقی ما از جامعه البته محدود به شیراز و دوره‌ای معین از تاریخ نبود. خواسته‌ایم نشان دهیم که سووشون در سطوح مختلف با جامعه و تاریخ ما در پیوسته است و می‌توان با توجه به لایه‌های نمادین و شبکه‌های اشاره‌های روایت، تا آنجا پیش رفت که رمان را روایتی از تاریخ اجتماعی ایران از گذشته‌های دور اساطیری تا روزگار خودمان بدانیم (فصل دوم).

در معرفی نقد فمینیستی، با آنکه ناگزیر از معرفی جریان عام و عمده فمینیسم بوده‌ایم، بیشتر به رهیافت‌هایی تکیه کرده‌ایم که در نقد ادبی جایگاه و اهمیتی دارند. از اشاره به این نکته نیز پروا و پرهیز نکرده‌ایم که این رویکرد هنوز در آغاز راه است و حتی در مغرب‌زمین هم شیوه‌ای روشمند و سازوار و دانشگاهی به شمار نمی‌آید. به گمان ما، هنوز در میانه انبوه سخنان متناقض و متفاوت ناقدان ادبی فمینیست، یکی از سنجیده‌ترین تأملات از آن نویسنده ژرف‌بین بریتانیایی، ویرجینیا وولف، است که در زمانی دورتر در این باره قلم زده است. هرچند او به معنای حرفه‌ای و متعارف کلمه، منتقد و محقق نبود و خود، واژه فمینیسم را خوش نمی‌داشت و به کار نمی‌گرفت، اما اتافی از آن خود او، آرای ژرف در زمینه نگاه زنانه در روایت را در بر دارد (فصل سوم).

سرانجام سووشون را از این زاویه نگریسته‌ایم که این رمان، به عنوان نخستین رمانِ نگاه‌شده یک زن ایرانی و در عین حال، دارای قهرمان داستانی زن، چه مایه از روایت‌های دیگر متمایز است؟ روایت و راوی چگونه موقعیت و وضعیت زن ایرانی را گزارش می‌دهند و چگونه حال و روز او را داوری و نقد می‌کنند؟ و آیا خود این نقد - نقد دانشور و راوی رمان و زری - را می‌توان نقادی کرد و «نقد‌ها را بُود آیا که عیاری گیرند؟» (فصل چهارم).

اشاره به چند نکته ضروری می‌نماید:

۱. ارجاع‌ها و یادداشت‌ها، که گاه بسیار مفصل است، در پایان کتاب آمده‌اند. در این زمینه، در فصل‌های دوم و چهارم استثنایی قائل شده‌ایم. به دلیل ارجاعات مکرر به سووشون و امکان دسترسی آسان‌تر و سریع‌تر به آن بخش از روایت، شماره صفحه بی هرگونه توضیحی داخل پرانتز و در درون متن قید شده است.

۲. کوشیده‌ایم داوری مان درباره سووشون جنبه توصیفی داشته باشد و از ستایش‌های پرشور و احساسی پرهیز کنیم. اساساً تلقی ما از نقد، تصور کلیشه‌ای محک زدن و تعیین ارزش نبوده است.

۳. این نوشتار، در اصل، رساله دوره کارشناسی ارشد نگارنده در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بود، اما پس از دفاع از آن در پاییز ۱۳۸۵، در طی این سال‌ها، بارها آرام آرام بازنگری و بازنگاری شد.

این پژوهش شاید هنوز هم از کاستی‌هایی برکنار نباشد، اما اگر به عنوان یک درآمد و تحقیق مقدماتی اندکی راهگشا باشد، وامدار فضل و فضیلت استادانی است که افتخار راهنمایی رابه شاگرد کوچک خویش بخشیدند:

استاد فرزانه، دکتر تقی پورنامداریان نه تنها مشوق من در قدم نهادن به این راه بودند، از دستگیری و راهنمایی من در تمام مراحل و منازل نیز دریغ نکردند.

استاد ارجمند، دکتر ابوالقاسم رادفر نیز مرا از تشویق و همراهی ارزنده خویش بهره‌مند ساختند.

مدیون شماری از استادان و دوستان نیز هستم که در یادآوری نکته‌ها، معرفی و در اختیار نهادن منابع، یا دیگر مراحل فراهم آمدن کتاب، مرا شرمسار الطاف خویش ساختند: دکتر مسعود جعفری، دکتر علی محمد شاه‌سنی، دکتر عبدالله حسن‌زاده میرعلی، زهره طاهری، حمید اباذری، محمد یکه‌دهقان، و خواهر دلبندم مرضیه سرمشقی.

از همراهی دوست و همسر مهربانم، دکتر حمیدرضا توکلی، سپاس گزارم که اگر همراهی‌ها و تشویق‌های ایشان نبود، این کتاب هیچ‌گاه سرانجام نمی‌یافت. بی‌شک راهنمایی‌ها و کیمیاکاری‌های او نقش بسزایی در تمام مراحل نوشتن کتاب داشت.

استاد احمد سمیعی گیلانی اثر را با دقت فوق‌العاده‌ای نگرستند و با پیشنهادهای راهگشا و ارزنده‌شان، این نوشتار پیراسته‌تر شد. از لطف و حوصله این استاد ارجمند سپاس‌ها دارم.

در پایان، یاد آفرینشگر سووشون، زنده‌یاد سیمین دانشور، که پایان‌نامه را نگریست و نگارنده را از سر مهر نواخت، دلپذیر است. امیدوارم این اثر کوچک افقی در فهم دقیق‌تر سووشون بگشاید و به‌ویژه دختران این سرزمین را برانگیزد تا میراث ادب زنان و ادبیات زنانه را غنی‌تر سازند.

فاطمه سرمشقی

بهار ۱۳۹۲

آفرینندگان راستین آثار فرهنگی، گروه‌های اجتماعی
هستند، نه اشخاص منفرد.

لوسین گلدمن

فصل اول

معرفی رویکرد جامعه‌شناختی

پیوندهای جامعه و ادبیات در نگاه نخستین

نخستین تصویری که از ترکیب جامعه‌شناسی ادبیات در ذهن نقش می‌بندد احتمالاً بررسی تأثیر مستقیم پاره‌ای رخدادهای اجتماعی مشخص بر ادبیات یک دوران معین و به‌ویژه نمودهای آشکار آن در آثاری خاص است.

با این حال، حتی پیش از آنکه به سراغ آنچه برویم که ناقدان کهنه و نو در این باره گفته‌اند، با تأمل در مجموعه نسبت‌های محتمل میان ادبیات و جامعه، می‌توانیم آرام آرام دریابیم که این ماجرا بسیار پیچیده‌تر است. ببینیم پیوندها و تأثیرها و تأثرات متقابل میان دو مفهوم گسترده جامعه و ادبیات چه ابهاماتی در ذهن ما برمی‌انگیزند:

۱. آیا می‌توان از عکس این نسبت، یعنی تأثیر ادبیات بر جامعه، نیز سخن گفت؟

۲. آیا می‌توان این رابطه را تأثیر و تأثری دوجانبه و دیالکتیکی دانست؟

۳. آیا جامعه مستقیماً بر متن ادبی تأثیر می‌گذارد یا به واسطه تأثیر بر نویسنده؟

۴. آیا حوادث جامعه مستقیماً بر اثر ادبی تأثیر می‌نهند یا آنکه حوادث اجتماعی با تحولی که در فضای فرهنگی و ادبی ایجاد می‌کنند، اثر را تحت تأثیر قرار می‌دهند؟

۵. آیا نویسنده حتماً باید تحت تأثیر فضای اجتماعی قرار گیرد یا آنکه در مواردی باید در برابر این تأثیر ایستادگی کند و حتی آن را خنثی و یا دیگرگون سازد؟

۶. تأثیر جامعه بر ادبیات در قلمرو خود آگاه نویسنده جای دارد یا ناخود آگاه او؟

۷. تأثیر جامعه بر ادبیات به جنبه هنری - ادبی متن بازمی‌گردد یا اثر از طریق تأثیر بر فضای فکری دوران و ذهنیت نویسنده، از جامعه رنگ می‌پذیرد؟

۸. آیا تأثیرپذیری از جامعه صرفاً در آثار واقع‌گرا (رئال) تحقق‌پذیر است؟

۹. آیا تأثیرپذیری از جامعه محدود به انواع و قالب‌های خاصی است؟ آیا اثرپذیری شعر و داستان هم پایه اثرپذیری آثار تغزلی و تعلیمی است؟

۱۰. آیا می‌توان از اثرپذیری اجتماعی نظریه‌های ادبی سخن گفت؟

۱۱. آیا مفهوم جامعه در این تعابیر صرفاً جنبه‌های سیاسی را در بر می‌گیرد؟ آیا تأثیر جامعه به معنای تأثیر حکومت و ایدئولوژی خاصی است؟

۱۲. آیا ممکن است تأثیرات اجتماعی در مورد دو نویسنده یا دو

متن، متفاوت و یا حتی متضاد باشد؟ آیا ممکن است اثری به گونه‌ای منفی و واکنشی تحت تأثیر جامعه قرار گیرد؟

۱۳. واقعیت‌های اجتماعی بر اثر تأثیر می‌نهند یا آرمان‌هایی که هنوز تحقق نیافته‌اند؟

۱۴. آیا نشانه‌های اثرپذیری اجتماعی اثر ادبی به طور پراکنده در متن منتشر است یا آنکه ساخت کلی متن از جامعه اثر می‌پذیرد؟

۱۵. آیا اثر تحت تأثیر و نمایشگر بخش و طبقه خاصی از جامعه است یا می‌کوشد تصویری از همه جوانب اجتماع به دست دهد؟

۱۶. آیا اثر با مقطع زمانی معینی از جامعه نسبت دارد یا با گستره‌ای تاریخی از اجتماع در پیوند است؟

۱۷. آیا روابط اثر و جامعه به گونه‌ای آشکار مطرح شده است یا به صورتی پنهان و نامستقیم؟

۱۸. آیا اثر همواره صرفاً به روایت بی‌کم‌وکاست فضای جامعه دست می‌زند یا در آن تصرف و اغراق می‌کند و احیاناً با دیدگاهی ناقدانه به آن می‌نگرد؟

۱۹. آیا آثار نویسندگانی که ظاهراً به جامعه توجهی نشان نمی‌دهند برکنار از هر گونه تأثیر اجتماعی است؟

۲۰. آیا نگاه اجتماعی به ادبیات الزاماً به معنای داوری ارزشی و نگاه تعهدآمیز است؟

بی‌تردید، با تأمل بیشتر، می‌توان بر این پرسش‌ها افزود و یا بسیاری از آن‌ها را به شکلی دقیق‌تر و فنی‌تر مطرح کرد.

مسئله پیوند جامعه و ادبیات بسیار پیچیده و دارای جوانبی گوناگون است و همواره در مباحث نقد ادبی حضور داشته است. در حقیقت، گرایش‌های گوناگون جامعه‌شناسی ادبیات یا مکاتب دیگری که به نحوی با این قلمرو ارتباط یافته‌اند هر کدام به بخش‌هایی از این زمینه پهن‌آور توجه کرده‌اند و فقط در پی پاسخ شماری از پرسش‌های بیست‌گانه پیش گفته برآمده‌اند.

چشم‌انداز تاریخی جامعه‌شناسی ادبیات

گزارش دقیق، سزاوار، منسجم، و در عین حال، موجز تمام تأملات پیرامون مسائلی که به گونه‌ای به نسبت میان جامعه و ادبیات پیوند دارد بسیار دشوار است. از سوی دیگر، علاوه بر گرایش‌هایی که به شیوه‌ای آشکار و روشن منشی اجتماعی دارند، جریان‌های دیگر - که چه‌بسا در ظاهر با رویکرد اجتماعی سر ستیز دارند - به شیوه‌هایی گوناگون با مسائل اجتماعی گره می‌خورند. تقریباً همه شاخه‌های خرد و کلان نقد ادبی، بُعدی جامعه‌شناختی نیز دارند. جامعه‌شناسی ادبیات، بر خلاف بسیاری رویکردهای دیگر، در یک مقطع معین تاریخی و یک محدوده مشخص جغرافیایی و فرهنگی، دارای سیر تکوین، اوج، و افولی آشکار نیست و پیوسته در حال افت و خیز و بازگشت به جریان‌های پیشین بوده است. از این‌ها گذشته، مناسبات جامعه و ادبیات چندان عام و گسترده است که می‌توان ادعا کرد هیچ دوره تاریخی‌ای بی‌بهره از ذهنیتی هرچند مبهم و کلی و نظریه‌ای هرچند خام و نارسا در این باره نبوده است.

به هر روی، می‌کوشیم که در این مجال اندک، پس از اشاره‌ای گذرا به ریشه‌های تاریخی جامعه‌شناسی ادبیات در مفهوم فنی امروزی آن، جریان‌های عمده، چهره‌های ممتاز، و مفاهیم کلیدی این قلمرو پهناور را معرفی کنیم و با اشاره‌هایی کوتاه به واپسین جریان‌ها که در زمانی نزدیک به ما متولد شده‌اند، به مسیر تحولات پیش‌رو نگاهی بیندازیم.

هنر و جامعه: هم‌زادان دیرین

ارتباط هنر و جامعه از اساسی‌ترین مسائلی است که توجه تاریخ‌نگاران هنر و زیبایی‌شناسی را به خود جلب کرده. این مورخان غالباً از هنر،

مفهومی عام را در نظر دارند که ادبیات را نیز در بر می‌گیرد. مباحث آنان تأثیرات گسترده و آشکاری بر نقد ادبی داشته است؛ از این رو، آن را نقطه آغاز قرار می‌دهیم تا از چشم‌اندازی فراخ‌تر، قلمرو پژوهش خویش را بنگریم.

بی‌گمان یکی از نامدارترین و گسترده‌ترین پژوهش‌ها در این زمینه کتاب تاریخ اجتماعی هنر نگاشته آرنولد هاووزر است. این کتاب، تاریخ هنر را از منظری کاملاً اجتماعی بررسی می‌کند و پیوند تحولات هنری و ایجاد سبک‌های جدید و از میان رفتن سبک‌های پیشین را با تحولات مختلف اجتماعی آشکار می‌سازد و تولد یا زوال جریانات را با وقوع حوادث معین اجتماعی گره می‌زند [۱].

ارنست فیشر در ریشه‌یابی ارتباط هنر و جامعه به اصل «تصورناپذیری ابزار بدون انسان و انسان بدون ابزار» توجه می‌دهد. فیشر می‌پندارد که انسان از آغاز همان گونه که ابزار و سلاح می‌ساخت و در جست‌وجوی خوراک و پناهگاه برمی‌آمد، به کارهای هنری نیز دست می‌یازید، نقاشی و پیکرتراشی می‌کرد، و به هنگام کارهای دسته‌جمعی، ترانه می‌خواند [۲].

آریان‌پور، از پیشگامان جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی هنر در میهن ما، نیز پس از بررسی دیدگاه‌های گوناگون درباره منشأ هنر، نگرش‌هایی را که به شیوه‌ای هنر را با فردیت هنرمند پیوند می‌دهد به یک سو می‌نهد و به این نتیجه می‌رسد که اجتماع، مهم‌ترین منشأ پرورش شکوفایی هنر ابتدایی است [۳].

در زندگی ابتدایی، جمع انسانی اهمیت بسیار داشت و زندگی معنای خویش را از جمع و روابط انسانی به دست می‌آورد؛ ذهنیتی که تا امروز همچنان تداوم یافته است. اشکال گوناگون هنری زبان، آوازهای موزون، و مراسم جادویی، کوششی جمعی بود که همه انسان‌ها در آن مساهمت داشتند. هنر وسیله‌ای برای تسخیر طبیعت و حیوانات توسط

جامعه انسانی به شمار می‌رفت. هنر فردی اساساً مفهومی متأخر و حتی امروزی است. پیشرفت زندگی اجتماعی انسان‌ها، یکجانشینی، و روی آوری آدمی به کشاورزی مفهوم هنر را دیگرگون ساختند [۴].

تقسیم کار و تخصص، که پیامدهای مستقیم و ضروری شکل‌گیری تمدن بود، رفته‌رفته هنر را پدیده‌ای ویژه و هنرمندان را گروهی ممتاز ساخت. در این جامعه تازه شکل گرفته، دیگر نه هنرمند، هنر خویش را به منزله ابزار می‌نگریست و از آن فقط برای بهره‌برداری از طبیعت سود می‌جست، نه هنر و جامعه می‌توانستند یگانگی آغازین خود را پاس دارند؛ انگار «من» هنرمند و بسیاری مسائل غیراجتماعی دیگر، این دو را از هم جدا می‌کرد.

با آنکه از آن سال‌های دیرینه و جادویی هم‌نهادی و همانی هنر و جامعه دور افتاده‌ایم، آثار هنری هنوز هم این ارتباط دوسویه را می‌نمایانند.

پیشینه گره‌خوردگی مطالعات ادبی با مسائل اجتماعی

به سهولت و قطعیت نمی‌توان نقطه آغاز معینی برای آمیزش مطالعات ادبی با مسائل اجتماعی سراغ کرد. در این زمینه، اجماعی میان پژوهندگان وجود ندارد و شاید بهتر باشد اندکی دورتر برویم و زمینه‌های اجتماعی پدیداری این رویکرد را تا اندازه‌ای شناسایی کنیم: رویکردی اجتماعی به رویکرد جامعه‌شناختی به ادبیات!

از حدود ۱۸۳۰، رمانتیسزم در بیشتر کشورهای اروپایی جای خود را به واقع‌گرایی داد. از نویسندگانی که چندان واقع‌گرا نبودند، چون دیکنز، گوگول، و بالزاک، به گروهی واقع‌گراتر رسیدیم، مانند جرج الیوت، تولستوی، و فلوبر. جنبش رمان‌نویسان واقع‌گرا را می‌توان واکنشی در مقابل کل‌گرایی رمانتیک‌ها دانست. واقع‌گرایی رمان سده نوزدهم ریشه در شیفتگی به «چنین استی» زندگی بود و بر خلاف رمانتیسزم،

توجه خود را نه به آینده و نه به گذشته، بلکه به زمان حال معطوف می‌کرد. رمان در میانه سده نوزدهم «منظری گسترده بر بخش‌های متعدد جامعه و شمار بزرگی از گونه‌های شخصیت می‌گشاید و البته این گونه‌های شخصیت بر حسب کنش‌ها و رابطه‌های اجتماعی‌شان به تصویر کشیده می‌شوند. انتقال محوری میان رمانتیک‌ها و نسل نخستین واقع‌گرایان، بیش از هر چیز، انتقال از تخیل است به دیدی اجتماعی، و همین انتقال در نظریه ادبی خود را نشان داد» [۵].

روان‌بنیادی و جامعه‌بنیادی از دیگر جریان‌های فکری‌ای بودند که تناقضاتشان در تولد نقد جامعه‌شناختی تأثیر قطعی داشت. مباحثات و مجادله‌های فراوانی در این زمینه به طور هم‌زمان در فرانسه (سورل، لانسون، گراسری، پوسینه، آرآ، موفیه، گاستینه، و لالو)، آلمان (بورکهارت، هوسن‌اشتاین، و شمارلو)، و انگلستان (ایرجوهرین) به وجود آمد. این مناقشات سرانجام باعث توجه بیشتر منتقدان ادبی به مسئله اجتماع شد؛ با این حال، ناقدان همچنان روان‌شناسی فردی را در آفرینش هنر مؤثرتر می‌دانستند. از این رو، م. لالو در کتاب طرح یک زیبایی‌شناسی موسیقی علمی، برای توصیف هنر سه جنبه را برمی‌شمارد: «جنبه فیزیولوژیک، جنبه روانی، و جنبه جامعه‌شناسانه». نیز از همین روست که ای هیرن بر آن است که «انگیزه‌ها یا محرک‌های درونی^۱ هنر، محرک‌های فردی هستند و ماهیت آن‌ها احساسی است و در نتیجه، فقط از وضع روانی فرد ریشه می‌گیرند، ولی نمی‌توانند منشأ هنری به خود بگیرند، مگر وقتی که هنرمند از تصویرهای ذهنی و وسیله‌های بیانی‌ای استفاده کند که محیط اجتماعی برای او فراهم می‌آورد» [۶]. آنچه در زندگی هنری و سیر و تکامل آن توجه ناقدان را همیشه به خود جلب کرده تحولاتی است که در آن روی می‌دهد.

دسته‌ای آن را نشانه‌ای از یک انحطاط کلی می‌دانستند و به «زوال آرمان‌های سیاسی و اجتماعی خود» نزدیک می‌دیدند. از همین رو، منتقد و مورخ فرانسوی، فردینان برونیتر، در تبیین و توجیه جهش‌ها و انقلاب‌های بزرگ در تحول ادبیات بسیار کوشید. برونیتر هنر را به نوع‌های زنده تقسیم کرد و کوشید تا اصول «گزینش انواع» داروین را در مقیاسی وسیع، در قلمرو هنر و ادبیات به کار گیرد [۷].

هرچند نظریه برونیتر ناکام ماند، راه را برای طبیعت‌گرایان گشود. ناقدانی بر سر کار آمدند که برای عامل طبیعی نقش بسیاری قائل بودند و می‌کوشیدند تا هنر را با توجه به محیط طبیعی آن بررسی و تبیین کنند. اینان می‌پنداشتند که هنر عبارت است از ترکیب، تلفیق، و بازپردازی^۱ عوامل طبیعی. از همین رو، «الی فور» هنر نقاشی را، که از دید او در مقایسه با سایر هنرها همبستگی بیش‌تری با طبیعت دارد، می‌ستاید [۸].

ناقدان بعدی عوامل محیطی را به دو گروه عوامل طبیعی و عوامل اجتماعی تقسیم کردند. اکثر آن‌ها همچون سورو کین و به‌کر و بارنس تأکید می‌کردند که عوامل اجتماعی در مقایسه با عوامل طبیعی تأثیر افزون‌تری بر هنر و ادبیات دارند. آنان رها کردن زمینه اجتماعی فرایند هنری را خطایی سخت نابخشودنی خواندند.

برخی مورخان نقد ادبی، مانند ادموند ویلسن، سابقه نقد ادبی بر مبنای جامعه‌شناسی را به پژوهشی درباره حماسه هومر اثر «ویکو» در قرن هجدهم می‌رسانند. ویکو در این پژوهش به شرایط اجتماعی دوران زندگی شاعر یونانی توجه می‌کند. اما نقطه آغاز این مکتب به صورت یک جریان گسترده و ممتد را باید در سده نوزدهم جست‌وجو کرد، در آثار منتقدانی چون مادام دواستان (۱۷۶۶-۱۸۱۷) و هیولیت تن (۱۸۲۸-۱۸۹۳) و فیلسوفانی مانند هگل و مارکس، که اصولی را پی‌ریزی

کردند که گسترش‌ها و پرورش‌های بعدی، آگاهانه یا ناآگاهانه، با آن‌ها پیوند می‌یابد [۹].

هرچند نمی‌توانیم تن را بنیان‌گذار یکه و تنهای نقد جامعه‌شناختی و پدر جامعه‌شناسی ادبیات معرفی کنیم، بی‌گمان او یکی از طلایه‌داران این مکتب به شمار می‌آید. تن در مواجهه با منتقدانی که طبیعت را یگانه عنصر تأثیرگذار در ادبیات می‌دانستند، زیست‌شناسی، جغرافیا، و تاریخ را در کنار یکدیگر جای داد و عوامل مؤثر در ظهور آثار ادبی را نژاد، محیط، و زمان معرفی کرد [۱۰].

محیط از نظر تن یک ذهنیت اجتماعی یکدست و اثری است که از پیچیدگی ساختارهای قدرت تاریخی فاصله بسیار دارد. تأثیر محیط اجتماعی جزئی است از زمان - برداشت‌های فراگیر عصر - یا جزئی از محیط - شرایط خاصی که بر تولید ادبی تأثیر می‌گذارد. «محیط یعنی حال‌وهوای کلی اجتماعی و فکری که گونه اثر ادبی را تعیین می‌کند. محیط گونه‌هایی را مجاز می‌داند که با آن همسان و همخوان باشند و گونه‌های دیگر را با موانعی که ایجاد می‌کند و حملاتی که در هر گام از تکاملشان تجدید می‌کند، نابود می‌سازد» [۱۱].

در نظر تن، «عظمت اجتماعی یا تاریخی با عظمت هنری یکسان دانسته می‌شود. هنرمند بیان‌کننده حقیقت و ضرورتاً بیان‌کننده حقایق اجتماعی و تاریخی است. آثار هنری از این جهت که یادگار دورانی هستند، سند به حساب می‌آیند و فرض بر این است که بین نابغه و عصر خودش هماهنگی وجود دارد» [۱۲].

دنیای درون هنرمند و شخصیت فردی نویسنده یکسره به سویی نهاده می‌شود. تن تحت تأثیر فلسفه اسپینوزا و تجربه‌گرایان انگلیسی بود. او از اسپینوزا بی‌چون و چراترین جبر‌گرایی را آموخت. تجربه‌گرایان نیز به او آموختند که نظریات و عقاید ما چیزی نیستند «جز استحاله‌های تأثیراتی که از طریق حواس به ما منتقل می‌شوند» [۱۳].

بی شک تن در عقیده خود راه اغراق و مبالغه پیموده است. نمی توان تمام جلوه های ذوق و هنر را یکسره محصول علل خارجی دانست و تأثیر ذوق و ابتکار انسانی را به کلی نادیده گرفت. در میان ناقدان، کسانی فقط یکی از سه اصل مورد نظر تن را عامل عمده پیدایش آفرینش ادبی می دانستند [۱۴].

گوایو کار تن را به گونه ای تکمیل می کند و دومین جنبه زیبایی شناسی جامعه شناختی را می نمایاند. او به تأثیر ادبیات بر محیط اجتماعی تکیه می کند. تن می پنداشت که جامعه نابغه و نویسنده را برمی انگیزد و در عین حال، او را مقید می کند. در نظر گوایو، نابغه به سهم خود جامعه ای جدید خلق می کند. آمیزه آراء این دو را می توان این گونه بیان کرد: با آنکه «نابغه از این یا آن محیط اجتماعی برمی خیزد، خود، آفریننده یک محیط اجتماعی جدید یا دگرگون کننده محیط اجتماعی قدیم است» [۱۵].

شاید بتوان جامعه شناسی در معنای امروز را شکل تکامل یافته نظریه های تن و گوایو دانست. یکی دیگر از سرچشمه های نقد اجتماعی در آراء برخی اندیشگران سده نوزدهم روسیه یافتنی است که بر جامعه شناسی ادبیات، به ویژه شاخه مارکسیستی آن، تأثیر بسیار گذاشته است.

گفته می شود که آموزه رئالیسم سوسیالیستی از مارکس و انگلس است، ولی حقیقت این است که نیاکان این آموزه منتقدان «دموکرات انقلابی» روسیه در سده نوزدهم یعنی ویساریون گریگوریویچ بلینسکی (۱۸۱۱ - ۱۸۴۸) و پیروانش بودند. اینان به چشم نقد و تحلیل به ادبیات می نگریستند و هنرمند را روشنگر اجتماعی می دانستند و می پنداشتند «ادبیات می بایست از تکنیک های هنری پیچیده پرهیز کند و به صورت ابزار تکامل اجتماعی درآید. هنر بازتاب واقعیت اجتماعی است و می بایست ویژگی های نمونه نمای واقعیت اجتماعی را تصویر کند» [۱۶].